

واکاوی مقارنه‌ای الزامات اصول مترقیانه حقوق بشری در

عملکرد ضابطان با نگاهی به مبانی فقهی^۱

محمدعلی عزتی بهلولی*

علی رضا سایبانی**

محمد مهدی ساقیان***

چکیده

رعایت حقوق بشر یکی از مهم‌ترین وظایف نهادهای نظام عدالت کیفری است. در بین این نظام، ضابطان با رسالت نیابتی، تکالیفی در راستای کشف جرم به عهده دارند. این ماموران، موظف به رعایت اصول حقوق بشر در مرحله کشف جرم می‌باشند. اصول حقوق بشری ناظر به متهم در مرحله کشف جرم عبارتند از: رعایت حقوق شخص تحت نظر، بهینه سازی زیرساخت‌ها، اصل توجه به حیثیت، کرامت و شخصیت اشخاص، اصل احترام به آزادی افراد و ممنوعیت توقیف خودسرانه متهم و اصل رعایت حریم خصوصی. رعایت حقوق شخص تحت نظر نیز حاوی این اصول می باشد: پیش‌بینی اصل مشروعیت استجواب کیفری، امکان حضور وکیل از ابتدای دادرسی و توجه به اصل براءت در مرحله کشف جرم که دین اسلام با توجه به تعالیم جهانی خود، مبین و اشاعه دهنده حقوق بشر می‌باشد. یافته‌های این مقاله موید مسبق بودن الزامات حقوق بشری ضابطان در مرحله کشف جرم در منابع و مبانی فقهی، نقش آن در تحقق سلامت دادرسی کیفری و استانداردسازی عملکرد ضابطان و جانمایی این اصول در مقررات ایران می‌باشد.

کلید واژه‌ها: ضابطا، پلیس، حقوق بشر، الزامات و اصول حقوق بشری، کشف جرم.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵

*گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران maezzati63@gmail.com

**استادیار گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسؤول)

saybani.a@gmail.com

***استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران msaghian@ut.ac.ir

۱- مقدمه

در فقه، ضابطان دارای تکالیفی هستند که اصول حقوق بشر نامیده می‌شوند. رعایت حقوق شخص تحت نظر مانند رعایت حقوق شخص تحت نظر (که عبارت است از پیش بینی اصل مشروعیت استجواب کیفری، حضور و مداخله فعال وکیل در مرحله پلیسی و رعایت اصل برائت در مرحله کشف جرم)؛ بهینه‌سازی زیر ساخت‌ها؛ رعایت اصل حیثیت و کرامت شخص تحت نظر؛ اصل آزادی و ممنوعیت توقیف خودسرانه متهم و رعایت حریم خصوصی؛ به عنوان ضرورت‌های فقهی لازم است.

وجود اصل برائت (به تعبیر نگارنده، فرض و اماره برائت) و قواعدی مانند قاعده درء که به تعبیر یکی از فقها، قاعده مسلم و مستدلی است، چنان که در قول وی آمده است: «من القواعد التي ارسوها ارسال المسلمات و جعلوها مما استدل بها لا علیها قوله صلی الله علیه و آله: تدرء الحدود بالشبهات» (سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۲۶) از جمله مبانی این اصول در مرحله کشف جرم می‌باشد؛ چرا که مرحله کشف جرم دارای اهمیت فراوانی است. چرا که کشف جرم و اقدامات پلیسی مبنای بسیاری از احکام کیفری را پایه گذاری می‌کند. از این رو هرگونه نقض مقررات می‌تواند سلامت و عادلانه بودن دادرسی کیفری را به خطر اندازد (مدرسی، ۱۳۸۶، ۶۵).

قطعاً یکی از درآمدها و تمهیدات تحقق حقوق بشر، ترسیم آن و تعیین مصادیق و اطراف آن است. احصاء ضمانت اجرای حقوق بشری می‌تواند به سلامت این حقوق بیانجامد. پلیس با داشتن سابقه‌ای کهن، یکی از اجزاء نظام عدالت کیفری است که دارای تکالیف عمده‌ای می‌باشد. یکی از مباحث جنجالی در خصوص پلیس، وجود یا عدم اختیارات قانونی است. با واکاوی قوانین ایران شاهد دو رویه ناموزون و بی‌ثبات هستیم. قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۹)، قانونی حامیانه با تعصبات خاص و صنفی، اختیاراتی را به پلیس داده است که اولاً با ساختار پلیس و ثانیاً با بایسته‌های آن در تضاد است. طبق ماده ۴ قانون فوق‌الاشعار، یکی از مهمترین اختیارات ناجا، کشف جرم است که این موضوع کاملاً با بند (۴) اصل ۱۵۶ قانون اساسی در تعارض است.

۲- بررسی اصول حقوق بشری ناظر به متهم در مرحله کشف جرم

پیش بینی اصول حقوق بشری ناظر به متهم در مرحله کشف جرم در عداد وظایف و الزامات ضابطان دادگستری با سابقه فقهی در مقررات موضوعه ایران، از جلوه‌های مترقیانه حقوق عرفی می‌باشد. پیروی

مقررات داخلی از قواعد فقهی مستند به آیات، روایات و اندیشه فقها، مبین توجه قانون‌گذار به مبانی غنی فقهی می‌باشد.

۲-۱- رعایت حقوق شخص تحت نظر

شخص تحت نظر دارای حقوقی است که به طور خلاصه به نمونه‌های بارز آن ذیلاً اشاره می‌شود.

الف- پیش‌بینی حق سکوت

حق سکوت دارای دو جنبه مثبت و منفی می‌باشد. جنبه مثبت مربوط به حق سکوت شخص تحت نظر در پاسخ به سوالات پلیس می‌باشد و جنبه منفی مربوط به این است که سکوت متهم در مرجع قضایی، نشانه پذیرش اتهاماتی که در سوالات مطرح می‌باشد، نیست. آن چه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، صرفاً جنبه مثبت حق سکوت شخص تحت نظر نزد ضابطان است.

فقها در جرایم ارتكابی اشخاص، اعتقاد به عدم امکان اجبار مرتکب به اقرار دارند و حق سکوت را برای آن‌ها به رسمیت شناخته‌اند. برخی از این فقها با قید «فلا یجب الزامه بالبیان» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ۱۵۰)، اصل حرمت و ممنوعیت الزام منجر به بیان را مورد پذیرش قرار داده‌اند و یا به اصل ممنوعیت و حرمت تجسس تمسک جسته‌اند.

شخص تحت نظر می‌تواند سکوت اختیار نماید و این حق به موجب قاعده فقهی دوم در مبانی فقهی به وی اعطا شده است و ضابطان نمی‌توانند متعرض این حق شوند و او را مکلف به سخن گفتن و یا نوشتن اظهارات نمایند. ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری (به طور واضح) و ماده ۶۰ (به طور ضمنی) به حق سکوت متهم اشاره دارد؛ دلیل وضع این مواد، قاعده دوم است که به علت عدم قابلیت انتساب هر امری به متهمی که سکوت اختیار کرده است، به عنوان داده‌ای نوین در قانون فوق، قابل ذکر است.

با توجه به قاعده " لا ینسب لساکت قول " می‌توان گفت حق سکوت یکی از حقوق دفاعی متهم است. این حق در قوانین اغلب کشورها پیش‌بینی و به رسمیت شناخته شده است. سکوت متهم در مراحل مختلف دادرسی؛ تعقیب، تحقیق، محاکمه و صدور حکم، از مصادیق بارز حقوق دفاعی وی محسوب شده است. حق سکوت از تضمینات ناظر بر حق دفاع متهم است که در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی حائز اهمیت است. متهم در پرتو این حق نه تنها می‌تواند سکوت اختیار کند و از پاسخ به سوالات مقام تحقیق و رسیدگی اجتناب نماید؛ بلکه در بسیاری از نظام‌های کیفری، مقام تعقیب و ضابطان قضایی از

همان آغاز ملزم به اعلام این حق به متهم شده‌اند. این حق یکی از مناقشه‌برانگیزترین حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود (صالحی و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۷۹).

این اصل در قوانین کیفری ایران جانمایی شده است؛ طبق ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری، در بازجویی‌ها اجبار متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده یا سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و پاسخ‌هایی که ناشی از اجبار و اکراه متهم است، معتبر نیست. این موضوع تابع اصل ۳۸ قانون اساسی است که در بند (۹) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ به آن اشاره شده است که بر اساس آن هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر، ممنوع است و اقرارهای مأخوذه به این صورت، فاقد حجیت شرعی و قانونی است. دلیل این فقدان حجیت را می‌توان نقض حقوق شهروندی دانست. امری که می‌تواند روند رسیدگی را دستخوش تغییر کرده و با تسهیل روند پلیسی، به ایذاء متهم و در نهایت به جور بیانجامد.

در حقوق فرانسه، قسم دادن متهم به گفتن حقیقت موجب بطلان تحقیقات است و چنین اقراری منشاء اثر نیست.

ب- امکان حضور و مداخله وکیل در فاز پلیسی

حضور وکیل در جریان دادرسی کیفری را می‌توان در متون اسلامی من جمله از آیه ۱۰۵ سوره نساء، برداشت نمود.^۱ از دیدگاه امیرالمومنین (ع) نیز وکالت و حضور وکیل در دادرسی وجود دارد (فضائلی و دیگران، ۱۴۷، ۱۳۹۴).

ماده‌ی ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به متهم حق می‌دهد با شروع تحت نظر قرارگرفتن و با رعایت محرمانگی تحقیقات و مذاکرات، تقاضای حضور وکیل نماید.

ج- رعایت اصل برائت در مرحله کشف جرایم

در راستای رعایت اصل برائت آیاتی به طور ضمنی گویای لزوم توجه به این اصل هستند که عبارتند از: آیه ۷ سوره طلاق، ۵ سوره اسراء و ۱۱۵ سوره توبه. علاوه بر آیات ذکر شده، آیات دیگری نیز در قرآن

۱. مطابق نظر یکی از مفسرین، این آیه را این گونه تفسیر می‌کند که "خصیم" کسی است که از ادعای شاکی یا هر چیزی که در حکم دعوی است، دفاع می‌نماید. پس این آیه، گویای این مطلب است که ای پیامبر، جانب افراد محق را بگیر و عدالت را برقرار نما (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۴۸۲).

وجود دارد که لفظ برائت را در معنای فقهی خود به کار برده است که به طور مثال می‌توان به آیات ۵۳ سوره یوسف و ۳۵ سوره هود اشاره نمود.

انعکاس اصل برائت در قرآن کریم، الزاماتی را برای ضابطان ایجاد می‌نماید. در این کتاب آسمانی، حتی پیامبران الهی نیز برای این که مورد تعقیب قرار نگیرند می‌بایست از اتهامات انتسابی، اعلام برائت نمایند؛ مطابق آیه ۳۵ سوره هود، برائت از مجرمیت در برابر افتراءهای صورت گرفته از سوی فرستاده خدا نیز لازم است. ضابطان مکلف هستند به برائت متهمان توجه کنند و از هر رفتار نافی این اصل، پرهیز نمایند.

در حدیث مشهور رفع و حدیث منتسب به پیامبر اکرم(ص) که فرمودند "کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی"^۱ (حر عاملی، ۱۳۷۶، ۱۸، ۱۲۷) و هم چنین حدیث زیر این اصل مورد عنایت قرار گرفته است: وَ عَنْهُ (ع) أَنَّهُ كَانَ يَعْزِضُ السُّجُونَ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَمَنْ كَانَ عَلَيْهِ حَدٌّ أَقَامَهُ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ حَدٌّ خَلَّى سَبِيلَهُ. امیرمؤمنان(ع) هر روز جمعه به زندان می‌رفتند هرکس که حدی داشت بر او اقامه می‌کردند و هرکسی که حدی نداشت او را آزاد می‌کردند که دلالت بر اصل برائت ذمه او دارد. (نعمان بن محمد تمیمی، ۱۳۸۵، ۲، ۴۴۳).

این حق که افراد از نظر قانون، تبرئه می‌باشند مگر خلاف آن ثابت گردد، به منزله یک مسیر طلایی در فرآیند دادرسی کیفری توصیف شده است (Hamilton, 2007, 64).

در مرحله کشف جرم، متهم در پرتو حمایت اصل برائت قرار دارد و هر اقدامی که در مقام کشف جرم نسبت به وی صورت می‌گیرد، باید تحت حاکمیت اصل قانون بودن جرائم و مجازات‌ها و اصل کرامت و حیثیت انسانی باشد (مهمان نواز، ۱۳۹۰، ۱۴۸).

از نظر نگارنده، استفاده از واژه‌ای به نام "اصل" برای برائت، خالی از اشکال نیست؛ چراکه اصول دارای جایگاه پایین‌تری به نسبت امارات هستند و اصول عملیه برای رفع تحیر تشریح شده‌اند. اگر اصل بر برائت باشد، نتیجه این می‌شود که فردی با یک عنوان اتهامی و پس از ماه‌ها بازداشت و درگیری در یک پرونده، به استناد اصل البرائت، از اتهام انتسابی تبرئه می‌شود؛ حال آن‌که اگر اماره و فرض برائت حاکم باشد، نتیجه آن، قرار گرفتن همگان زیر چتر برائت خواهد بود و حتی ضابطان نمی‌توانند خلاف این اماره،

۱. تا زمانی که موضوعی نهی نشده، مباح است و مشمول وجوب و حرمت نمی‌شود.

حتی از اشخاص سوالی مغایر این اماره نمایند؛ مگر فحوصی مجدانه خلاف آن را ثابت نماید. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز در ماده مقدماتی خود از اماره و فرض برائت سخن گفته است. ثمره بحث این خواهد بود که دیگر برای برائت، شأن بالاتری به نام فرض و اماره قائل شویم و نه این که به عنوان یک اصل برای رفع سرگردانی به آن تمسک جویم. برخی اصولیین، به اصل برائت هم اشاره نمی‌کنند و در ذیل قاعده " قبح عقاب بلا بیان " و به حکم عقل، برائت را توجیه می‌نمایند (شهید صدر، ۱۴۳۱، ۳۵). ذیل بند (۲) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳)، با اماره برائت، سازگاری بیشتری دارد.

۲-۲- بهینه‌سازی زیر ساخت‌ها

حضرت علی (ع) در خصوص ضابطان، جایگاه و اهمیت آنان فرمودند: " فالجنود باذن الله حصون الرعيه و زين الولاة و عز الدين و سبل الامن... " (دشتی، ۱۳۸۴، ۴۰۸). ضابطان با این جایگاه رفیع، نقش بسزایی را در نظام عدالت کیفری ایفا می‌نمایند. پلیس آینده و مطلوب، پلیس چابک است. پلیس چابک روشی برای تغییر روش در نحوه ارائه خدمات، برنامه ریزی و سازماندهی، فرماندهی و مدیریت سازمان پلیس است. امروزه بسیاری از کشورها جهت حرکت به سوی چابک سازی پلیس، ساختار سازمانی پلیس خود را تغییر داده‌اند. سیمای پلیس حرفه‌ای، به ما می‌فهماند که پلیس مبادی آداب است و وظیفه خود را با رعایت کرامت انسان‌ها به نحو احسن انجام می‌دهد و برای کشف جرم نیازی به اعمال خشونت ندارد. یکی از راه‌های جلوگیری از اعمال خشونت توسط ضابطان، استانداردسازی عملکرد آنان است. امری که توسط پلیس ایران با قدمت بیش از ۵ سال در حال اجراست. حرکت به سمت و سوی ایده پروری (ضرورت ترازمندی میان حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی) در اذهان پلیس، مستلزم وجود مؤلفه‌هایی است که جهت‌گیری نظام پلیسی‌گری را نمایان سازد. اقدامات کنش محورانه مقامات پلیسی در مقام تأمین و حفظ نظم عمومی و امنیت اجتماعی باید به گونه‌ای تدوین و اجرا گردند که هیچ گونه تعارض یا تقابلی با حقوق بنیادین انسان‌ها در پی نداشته باشند. (مرادی، ۱۳۹۱، ۶۵۰)

۱. متولیان امنیت(ضابطان)، به اذن الهی، دژ و باروهای مردم، زینت حکومت، عزت دین و طرق امن مردم هستند.

در کنار سیاست استاندارد سازی عملکرد ضابطان، وجود نهادهای نظارتی در سازمان پلیس، ضروری است. با توجه به انتقاد عمومی از عملکرد پلیس، شورای شهرویس در سال ۱۹۹۹ آمبود زمان " بویس کامیونتی " را پایه ریزی کرده است. این آمبود زمان از صلاحیت بررسی و تحقیق شکایات عموم مردم در رابطه با سوء رفتار عوامل اجرای قانون یا کارکنان پلیس بویز برخوردار است؛ مثلاً در سال ۲۰۰۱، ۱۱۱۴ مورد برخورد با مردم از سوی پلیس به ۳۰۴ دعوی رسمی منتهی شد که در آنها سوء رفتار پلیس، مورد ادعا قرار گرفته بود. برخی گزارش‌های مهم منتشر شده از سوی این نهاد، شکایاتی را درخصوص عملکرد پلیس در خلال اعتراضات خیابانی و روشی که پلیس در یک تحقیق در رابطه با تیراندازی منجر به مرگ از جمله کودکان عمل نموده، شامل می‌شود (امیر ارجمند، ۱۳۸۴، ۴۷).

۲-۳- رعایت کرامت انسانی^۱

در قرآن کریم، آیه " وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا"^۲ (اسراء، ۷۰). صراحتاً دائر بر لزوم احترام به کرامت انسان‌ها (ولو مجرمان) می‌باشد آیه دیگری که می‌توان در راستای اصل موصوف به آن اشهد نمود این آیه شریفه است: " و من يعتد حدود الله فاؤلئك هم الظالمون " (بقره: ۲۲۹) به کسانی که از حدود الهی تجاوز نمایند، وصف ظالم بودن را اطلاق داده است و این اشخاص را مستحق مجازاتی بیش از مجازات مقرر الهی نمی‌داند که این آیه در خصوص رعایت حقوق بشر توسط ضابطان، بهترین راهنما در جهت رعایت کرامت اشخاص تحت نظر ... می‌باشد. هم چنین آیه " فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم"^۳ (بقره، ۱۹۴)، عدالت کیفری را با رعایت حقوق بشر ملازم می‌داند.

کرامت انسانی در تبیین و ارائه احکام فقهی و قواعد حقوقی، تأثیر و نقش قابل توجه و غیرقابل انکاری دارد و بر اساس آن، می‌توان قاعده‌ای با عنوان قاعده " وجوب تکریم الانسان " در فقه و حقوق اسلامی تدوین نمود (ارژنگ و دهقان، ۱۳۹۴، ۵۱).

1- Human Dignity

۲- و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

۳- پس هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی و تجاوز کنید

بنابر نظر فقها از متأخرین گرفته تا معاصرین قائل به رعایت کرامت اشخاص و لو افرادی که در بازداشت به سر می‌برند، هستند و در کلام آنان تصریح شده است در صورتی که این اقرار به خاطر اکراه یا اجبار یا حالتی روانی باشد این اقرار نافذ نیست و به آن ترتیب اثر داده نمی‌شود. در روایتی از امام صادق (ع) وارد است که فرمودند که امیر مؤمنان (ع) فرمود: کسی که موقع تجرید (برهنه کردن و زدن تازیانه) یا تخویف یا حبس یا تهدید، اقرار کند حدی بر او جاری نمی‌شود. مرحوم مجلسی در مرآة العقول سند حدیث را ضعیف دانسته است اما در ملاذ الاخیار می‌فرماید که به آن عمل شده است که در نتیجه عمل علما جابر ضعف سند خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۶، ۱۶، ۲۹۵ و ۱۴۰۴، ۲۳، ۴۰۵؛ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۱۸؛ حلی، ۱۴۰۵، ۵۵۲؛ گلیپایگانی، ۱۴۰۹، ۳، ۲۱۰).

همچنین در مواردی نیز فقها فرموده‌اند که باید به حقوق زندانیان و محبوسین توجه کرد که یکی از موارد آن زمانی است که محبوس، مریض باشد که در این صورت فقها و از جمله آنها امام خمینی (ره) می‌فرمایند که: حق حبس وی را نداریم و حقوق دیگری نیز برای زندانیان مانند حق شرکت در عبادت و مراسم‌های مذهبی، درمان در صورت مریضی و... فرموده‌اند که از مصادیق ممنوعیت ایداء محبوس است (طبسی، بی‌تا، ۵۱۲؛ مؤمن قمی، ۱۴۲۲، ۲).

یکی دیگر از مصادیق حفظ کرامت و حیثیت اشخاص، ممنوعیت هتک حرمت آنان می‌باشد. به موجب مواد ۵۱۶، ۵۱۷ و ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هرگونه سوء قصد، اهانت، هتاک و فحاشی نسبت به اشخاص ممنوع و جرم قلمداد شده برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

احترام و حفظ کرامت و حیثیت انسان‌ها برابر اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً به رعایت حفظ کرامت و حیثیت اشخاص اشاره دارد و تمام متولیان دادرسی کیفری؛ من جمله ضابطان موظفند به این اصل احترام بگذارند. مواد متعددی در قوانین وجود دارد که مؤید این اصل است؛ مثلاً نهاد اعاده حیثیت (تبصره ۲ ماده ۲۶ و ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی)، توهین به حیثیت و شؤون اطفال و زنان (ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم))، آسیب حیثیتی به فرد ربوده شده در آدم ربایی (ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم)).

در بند (۵) ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم (۱۳۹۴)، اتخاذ سیاست‌های مورد نیاز در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و محکومان و خانواده آنان و اصلاح و جامعه‌پذیری محکومان و برخورداری آنان از زندگی

شرافتمندانه مورد تصریح قرار گرفته است. تمامی متولیان پیشگیری از جرایم که در این قانون از آنها یاد شده است، دارای تکلیفی حقوق بشری هستند که در راستای حیات شرافتمندانه اشخاص (ولو محکومان) اقدام نمایند.

قانون آیین دادرسی کیفری نیز به طور اختصاصی، وظایفی را برای ضابطان در خصوص این اصل مقرر نموده است که علاوه بر ماده ۴ می‌توان به ذیل ماده ۴۹ این قانون اشاره نمود که گویای این موضوع است که پاسخگویی به بستگان (والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر) درباره تحت نظر قرار گرفتن یک شخص تاحدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد.

با توجه به این که ضابطان، در اغلب موارد اولین مواجهه کننده با جرایم هستند، انتظار می‌رفت قانونگذار تکالیف بیشتری را برای رعایت اصل کرامت، حیثیت و شرافت اشخاص، لحاظ می‌نمود؛ لیکن مواد مختلفی در قانون آیین دادرسی کیفری، تکالیف بیشتری را برای مراجع قضایی در رعایت این اصل پیش بینی نموده است که به طور مثال می‌توان به مواد ۱۷۴، ۲۵۰، ۳۴۴، ۶۱۷ و ۶۵۰ قانون ذکر شده، اشاره نمود.

۲-۴- اصل آزادی و ممنوعیت توقیف خودسرانه متهم

از دیدگاه اسلام، تمام مردم آزاد هستند و نمی‌توان این حق را از آنان سلب نمود. روایات متعددی بر اصل آزادی، تصریح نموده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به روایت منتسب به حضرت علی(ع) اشاره نمود که فرمودند: " تمام مردم آزاد آفریده شده‌اند، بجز اشخاصی که با اختیار، بردگی را پذیرفته‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۱۹۵).

در فقه، حق بازداشت خودسرانه به هیچ شخصی داده نشده و بازداشت انسان حر بدون دلیل، ظلم و عدوان است (شاهرودی، ۱۴۲۳، ۶، ۳۱) و در موارد خاصی است که فقه به ما اجازه بازداشت یا به تعبیر فقهی حق حبس شخصی را صادر می‌کند که مثلاً یکی از موارد آن زمانی است که وقتی شخصی دیگری را به قتل می‌رساند، شخص قاتل را قصاص و معاون را باید حبس ابد کرد (طوسی، ۱۴۰۷، ۵، ۱۷۳) و در موارد دیگر در جایی است که تهمتی متوجه شخصی شود برخی از علما مانند علامه در قواعد می‌فرمایند که باید تا زمان وجود دلیل و بی‌بینه‌ای در حبس به سر برد به نقل از فخرالمحققین از شیخ طوسی و ابن برآج مدت زمان حبس باید ۶ روز باشد و تمسک آنها نیز به روایتی است از رسول گرامی اسلام(ص) که فرمودند

در تهمت قتل و دم شش روز متهم نگه داشته و اگر اولیاء مقتول دلیلی آوردند فبها المراد و گرنه رها می‌شود. در اینجا اگر شبهه و تهمتی به هر سببی برای قاضی بوجود آمد برای عمل به روایت و تحفظ از نفس و عدم اتلاف باید ۶ روز متهم را تا حصول بینه حبس کرد در غیر این صورت اصل بر برائت است و ثانیاً بازداشت یک عقوبتی است که ثابت نمی‌شود مگر زمانی که موجب آن باشد (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ۶۲۰، ۴؛ شاهرودی، ۱۴۲۶، ۳، ۲۰۶).

همچنین در برخی روایات، وارد است که مستحب می‌باشد وقتی قاضی بر مسند قضاوت نشست اولین چیزی که به آن می‌پردازد مسأله بازداشتی‌های در زندان قاضی معزول است؛ زیرا بازداشت، شکنجه است. پس با این کار آنان را نجات می‌دهد؛ زیرا گاهی ممکن است بی‌گناهی بازداشت و یا حبس باشد. وقتی اولویت این مسأله معلوم شد کارش را چنین شروع می‌کند: فردی مورد اطمینان را به زندان می‌فرستد و نام هر یک را در ورقه‌ای جداگانه و نام شاکی و موضوع دعوا را می‌نویسد. وقتی تمام شد تا سه روز در شهر جار می‌زند فلان قاضی به کار زندانیان می‌پردازد، هر کس از هر زندانی خواهان حقی است فلان روز حضور یابد و روز چهارم را وعده می‌گذارد. در روز چهارم قاضی به مجلس قضاوت می‌آید و یکی از ورق‌ها را بیرون می‌آورد. منشی او صدا می‌زند: این پرونده فلان زندانی است شاکی او حاضر شود. وقتی آمد دنبال زندانی می‌فرستد او را می‌آورند. سپس پرونده دیگر، تا مقداری که می‌تواند به آنان رسیدگی کند. وقتی همه جمع شدند، اولین پرونده را بررسی می‌کند. می‌گوید: خصم او کجاست؟ پس هر دو را پیش می‌خواند از شاکی نمی‌پرسد، چرا آن شخص را بازداشت کرده است؛ زیرا حتماً برای حقی از او شکایت کرده، بلکه از بازداشتی می‌پرسد: شاکی تو این شخص است؟ وقتی گفت: آری، به او می‌گوید: چرا باعث بازداشت شدن تو شده است؟ (طوسی، ۱۳۸۷، ۸، ۹۱؛ قاسمی، ۱۴۲۶، ۲، ۷۷۴).

۲-۵- رعایت حریم خصوصی

در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که مبین لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص می‌باشد؛ مانند آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا... (حجرات، ۴۹) که البته صراحت در ممنوعیت نقض حریم خصوصی اشخاص تحت نظر ندارد؛ لیکن عموم آیه در این قبیل موارد،

۱. ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و (در حریم خصوصی مردم) تجسس نکنید.

تسری دارد.

رعایت حریم خصوصی اشخاص در کلام فقها قابل مشاهده است. امام خمینی (ره) در فرمان هشت ماده‌ای خود در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ قائل است که: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه، تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۱۷، ۱۴۰).

پوشیده ماندن گناهان و جرایم و حتی مفاد قاعده دراء، که در باب حدود مطرح است از مصادیق رعایت حریم خصوصی است. از رسول اکرم(ص) نقل است که فرمودند: " لا تسألوا الفاجرة، من فجر بک؟ فکما هان علیها الفجور، یهون علیها أن ترمی البرئ المسلم"^۱ (طوسی، ۱۳۶۴، ۱۰، ۴۸)؛ علاوه بر این که پیامبر از تفحص در امور منافی عفت به دلیل این که زن فاحشه، به دلیل فسق و اهمیت ندادن به آبروی مردان مومن و ورود اتهام به هر شخص، ابایی ندارد به دلایل دیگری مانند حکمت قاعده دراء که غالباً مبتنی بر این امر است که از افشای یک جرم و عمل حرام، جلوگیری شود.

ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری دائر بر ممنوعیت افشای اطلاعات بزه دیده، شهود، مطلعان و اشخاص مرتبط با پرونده، ماده ۵۷ مبنی بر ممنوعیت توقیف ادله، آثار و اسباب جرم دیگر (غیرامنیتی) در زمان بازرسی محل، ماده ۱۳۷ و ۱۳۸ حاوی ممنوعیت تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و تفتیش و بازرسی اشخاص، ماده ۱۴۶ متضمن محدودیت تحصیل اوراق، نوشته‌ها و اشیای متهم و بالأخره ماده ۱۵۰ که ناظر بر ممنوعیت کنترل مخابراتی افراد و... از مصادیق قانونی عدم امکان شکستن حریم خصوصی اشخاص در موارد واهی و بی اساس است.

اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا در بخشنامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۷۹/۱ تاریخ ۱۳۷۹/۰۴/۱۱ بازرسی خودروها را مطلقاً در غیر جرایم مشهود بدون دستور قضایی، مجاز دانسته بود که مراتب در دیوان عدالت اداری، مطرح که به موجب رأی شماره ۱۷۷ تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۲۸، بخشنامه مذکور، ابطال شد.

حریم خصوصی ایجاب می‌نماید که حتی توقف خودروها در جاده‌ها و محورهای مواصلاتی بدون احراز تخلف و جرم ممنوع باشد. دایره صیانت بازرسی پلیس راهور ناجا مغایر این اصل اقدام به ارسال بخشنامه-

۱. از زن بدکاره نپرسید، چه کسی با تو فسق کرد؟ زیرا همان گونه که به راحتی مرتکب فحشا می‌شود، به آسانی هم مسلمان بی گناهی را بدنام می‌کند.

ای نموده بود که طی دادنامه مورخه ۲۶۷/ ۳۰/ ۹۶/۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به دلیل این که قبل از مشاهده تخلف به دلیل ظن به وقوع تخلف نسبت به متوقف نمودن خودرو و بررسی مدارک و شرایط مربوط اقدام می‌نماید خلاف قانون تشخیص و ابطال شد.

حفظ حریم خصوصی ایجاب می‌نماید که در کلیه مراحل دادرسی؛ حریم خصوصی اشخاص مورد احترام باشد. یکی از اصولی که در ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری به آن توجه شده است، عدم شکستن حریم مالکانه اشخاص و در امان بودن منزل، مسکن، اثاثیه و خودروی اوست و ضابطان فقط در صورت مشاهده اشیایی که تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی است فقط باید مراتب را به مرجع قضایی اعلام کنند و خود حق ندارند رأساً مداخله نمایند.

بازرسی بدون مجوز تلفن همراه متهم، ولو پس از دستگیری وی از سوی پلیس نقض حریم خصوصی متهم است که بر اساس قانون محترم شمرده شده است. تلفن همراه و اطلاعات آن، حریم خصوصی افراد است که رعایت آن به موجب قانون بر همگان واجب است، مگر اینکه قانون در این زمینه حکم دیگری داشته باشد. لذا با این اوصاف موبایل، یک شیء مادی معمولی نیست. بلکه موبایل، دستگاهی است که قابلیت ذخیره اطلاعاتی را دارد که از بایسته‌های حریم خصوصی افراد است (صالحی، ۱۳۹۶، ۲۴۳).

حریم خصوصی ایجاب می‌نماید که مأمورین برای کشف احتمالی مواد مخدر اقدام به شنود غیر مجاز، تعقیب و مراقبت، کنترل تلفن همراه، لپ تاپ و...، هک نمودن شبکه‌های مجازی و غیره نمایند و به کلیه حریم‌های او احترام بگذارند. عدم انجام تحقیقات مخفی برای به دام انداختن اشخاص، عدم ارائه سیاهه تخلفات اشخاص از زمان تولد تا ظن به ارتکاب جرم و... از عمده این اصول است.

۳- نتایج

رعایت اصول مترقیانه حقوق بشر توسط ضابطان در مبانی و منابع متعددی تصریح شده است؛ که در این میان، نقش مبانی فقهی پر رنگ‌تر و محسوس‌تر است. وجود آیات و روایات متعدد و فحص در آنها توسط فقها، البته به طور پراکنده و با زوایای مختلف، مؤید این مطلب است.

ضابطان به عنوان طلایه داران نظام عدالت کیفری، ملزم به رعایت اصول حقوق بشر در وظایف محوله هستند که مهمترین تکلیف نیابتی آنها، مرحله کشف جرم می‌باشد. این اصول مذکور که به عنوان اصول حقوق بشری ناظر به متهم در مرحله کشف جرم شناخته می‌شوند، عبارتند از: ۱. رعایت حقوق

شخص تحت نظر (که شامل اصل پیش بینی مشروعیت استجواب کیفری، امکان حضور وکیل از ابتدای دادرسی و توجه به اصل برائت در مرحله کشف جرم می‌شود)، ۲. بهینه سازی زیر ساخت‌ها، ۳. اصل احترام به حیثیت و کرامت و شرافت اشخاص، ۴. اصل آزادی و ممنوعیت توقیف خودسرانه؛ ۵. رعایت حریم خصوصی.

رعایت حقوق شخص تحت نظر که نزد ضابطان و در اولین مواجهه با پلیس، قرار دارد؛ ضروری است. مواردی که متضمن این حقوق می‌باشند عبارت است از حق سکوت یا به عبارت آخری، اصل مشروعیت استجواب کیفری است. وجود قواعد مختلف، تأییدکننده وجود این اصل در فقه (البته با قرائت‌های مختلف) می‌باشد. ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری با صراحت و ماده ۶۰ این قانون به تعریض، گویای این حق است. در این راستا هرگونه پرسش تلقینی، اغفال کننده یا اجبار متهم، استعمال کلمات موهن مطابق اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری، ممنوع است.

یکی دیگر از وجوه رعایت حقوق شخص تحت نظر توسط ضابطان، حق حضور وکیل از مرحله پلیسی تا ختم دادرسی می‌باشد؛ این حق در آیه ۱۰۵ سوره نساء و برخی نصوص فقهی با تلویح اشاره گردیده است. مهم‌ترین داده قانونی در این بخش، ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری است که به حق شخص تحت نظر به حضور وکیل نزد ضابطان اشاره می‌نماید. از حیث تطبیقی، این حق در مقررات ایران با فرانسه، تفاوت دارد که مهم‌ترین وجه افتراق آنها، تأثیر و فعالیت بیشتر نهاد وکالت در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌باشد.

توجه به اصل برائت، از دیگر حقوق شخص تحت نظر است که در آیات و روایات متعدد و در اندیشه فقها، منعکس شده است. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مبین این اصل در حقوق عرفی می‌باشند.

دیگر حق شخص تحت نظر، بهینه‌سازی زیر ساخت‌هاست؛ حق مواجه شدن او با ضابطانی، آموزش دیده و دارای هارمونی شاخص، پلیس چابک و ورزیده با قابلیت تغییر تکنولوژیکی و با پایش مناسب، از حقوق مسلم آن می‌باشد.

رعایت اصل حیثیت و کرامت اشخاص تحت نظر، دارای ریشه‌های قوی‌تری در مبانی فقهی است؛ چراکه منبع اعطای کرامت، خداوند باری تعالی است و همو است که از این حیثیت، محافظت خواهد نمود و در قرآن کریم، همه را مکلف به رعایت این حق نموده است. وجود روایات و منابع مسلم فقهی و انعکاس

این حق در قوانین (مانند مواد ۵۱۶، ۵۱۷ و ۶۰۸ و... کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی)، ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم و... حاوی این اصل مترقیانه است. اصل آزادی و ممنوعیت توقیف خودسرانه متهم نیز از اصولی است که دین اسلام به آن احترام گذاشته و تمام انسان‌ها را موظف به احترام به آن نموده است. علاوه بر آیات قرآن و روایات، اصل ۲۲ و ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مواد ۴۴ و ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۵۸۳ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی بر حق آزادی متهم و ممنوعیت تحت نظر قرار دادن او و توقیفش، اشاره دارد. رعایت حریم خصوصی توسط ضابطان، آخرین حق متهم است که در این مقاله به آن پرداخته شد. منابع فقهی و مقررات موضوعه از این حق به طور تام حمایت می‌کند و ضابطان خاطی را مستوجب ضمانت اجرای مناسب می‌داند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

منابع فارسی

۲. ارژنگ، اردوان، دهقان، مهدی، (۱۳۹۴)، قاعده وجوب تکریم انسان در فقه و حقوق اسلامی، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و هفتم، شماره ۱۰۰.
۳. امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۴)، نقش آموذ زمان در حمایت از حقوق شهروندی، پروژه تحقیقاتی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی.
۴. پلیس چابک و متغیرهای تأثیرگذار، (۱۳۸۶)، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
۵. تدین، عباس، (۱۳۹۴)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، نشر خرسندی، تهران، چاپ دوم.
۶. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۸)، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
۷. حیدری، الهام، (۱۳۹۴)، حقوق دفاعی متهم در دوران نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره بیستم، شماره ۷۱.
۸. دشتی، محمد، (۱۳۸۴)، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات دارالعلم، قم، چاپ اول.
۹. رحیمی نژاد، اسمعیل، (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، میزان، تهران، چاپ اول.
۱۰. رضوی، محمد و خزائی، علی، (۱۳۸۷)، حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم، فصلنامه دانش انتظامی، دوره نهم، شماره ۴.

۱۱. رضانی، عبدالمجید، (۱۳۹۱)، رعایت حقوق شهروندی در د ادسراها و دادگاه‌های نظامی، همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۱۲. ساکی، محمد رضا، (۱۳۸۷)، ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۴۴ و ۴۵.
۱۳. صالحی، جواد، (۱۳۹۶)، ممنوعیت بازرسی تلفن همراه و بایسته های آن؛ جلوه ای از حریم خصوصی متهم در رویه ی قضایی ودستاوردهای آن، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ششم، شماره ۲۱.
۱۴. صالحی، جواد، ابراهیمی، یوسف، (۱۳۸۶)، بررسی جایگاه حق سکوت متهم در نظام حقوقی ایران، مجله عدالت آراء، شماره ۸.
۱۵. صبوری، منیره، کدخدا، فاطمه، (۱۳۸۵)، سازمان های غیر دولتی و حقوق بشر، انتشارات سخن گستر، مشهد، چاپ اول.
۱۶. فضائی، مصطفی، ملاکه، ابراهیم، (۱۳۹۴)، حق داشتن وکیل در اسلام و حقوق بین المللی بشر با تاکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال دوم، شماره ۳.
۱۷. قاسمی، محمد علی و پژوهشگران، (۱۴۲۶)، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، چاپ اول.
۱۸. کریمی، عباس، رحیمی نژاد، ایمان، (۱۳۸۸)، قواعد حاکم بر استجواب کیفری، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.
۱۹. مدرسی، محمد باقر، (۱۳۸۶)، رویکرد حقوق بشری به وظایف و اختیارات پلیس در فرآیند کیفری در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. مرادی، مجید، (۱۳۹۱)، مبانی استاندارد سازی رفتار و عملکرد مقامات پلیسی در نظام حقوقی شهروند مدار، همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، میزان، تهران، چاپ اول.
۲۱. مظاهری، امیر مسعود، (۱۳۸۵)، مفهوم مداخله وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۰، شماره ۵۶ و ۵۷.
۲۲. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه نور، جلد هفدهم، موسسه چاپ و نشر عروج، تهران، چاپ پنجم.
۲۳. مهمان نواز، مهران، (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی حقوق متهم در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری و لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تبریز.
۲۴. وروائی، اکبر؛ بهرامی پور، رسول، (۱۳۹۴)، الزامات ضابطین دادگستری در رابطه با حفظ حقوق شهروندی در نظام حقوق کیفری ایران، کارآگاه، سال هشتم، شماره ۳۲.
۲۵. یاراحمدی، حسین، (۱۳۹۰)، آزادی عمل پلیس در فرآیند دادرسی کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

ب- منابع عربی

۲۶. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم.
۲۷. اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۶)، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، چاپ اول.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۶)، وسائل الشیعه، جلد هجدهم، المکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ ششم.
۲۹. حلی، محمد بن حسن یوسف، (۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، موسسه اسماعیلیان، قم.
۳۰. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵)، الجامعه للشرایع، موسسه سید الشهدا العلمیه، قم، چاپ اول.
۳۱. سبزواری، سید عبد الاعلی، (۱۴۱۳)، مهذب الاحکام، موسسه المنار، قم، چاپ چهارم.
۳۲. شهیدصدر، (۱۴۳۱)، دروس فی علم الاصول (الحلقه الثانیه)، دارالعلم، قم، چاپ اول.
۳۳. طوسی، نجم الدین، (بی تا)، موارد السجن فی النصوص و الفتوی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول.
۳۴. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام، جلد ۱۰، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۳۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، المکتب المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، تهران، چاپ سوم.
۳۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۰)، النهایه فی المجرّد الفقه و الفتوی، دارالکتب العربی، بیروت، چاپ دوم.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، جلد ۶، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
۳۹. گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۰۹)، مجمع المسائل، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ دوم.
۴۰. مغربی، نعمان بن محمد تمیمی، (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، موسسه آل البیت، قم، چاپ اول.
۴۱. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۱۲)، الدر المنضود فی احکام الحدود، جلد اول، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول.
- ۴۲- مومن قمی، محمد، (۱۴۲۲)، مبانی تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول.

ج- منابع انگلیسی

- 4hh3-Donnelly, J. (1998). *International Human Rights: Dilemmas in World politics*. Colorado: Westview.
- 44-Hamilton, C. (2007). *The presumption of innocence in Irish criminal law*. Irish: Academic Press.
- 45-Henry, C. (1991). *Black's law Dictionary* (6th ed.). U.S.A: West publisher.